

تفسیر سورہ

طارق

سیمای سوره طارق

این سوره، هفده آیه دارد و در مکه نازل شده است. نام سوره برگرفته از آیه اول است و به معنای کوبنده می باشد. محور مطالب این سوره دو چیز است: یکی هشدار نسبت به معاد و دیگری نعمت قرآن و جایگاه والای آن. توجه دادن انسان به منشأ وجودی اش که آبی پست و ناچیز بوده است، زمینه پذیرش قدرت لایزال الهی بر آفرینش دوباره انسان و حضور او در دادگاه رسواگر قیامت را فراهم می آورد و اینها همه برگرفته از وحی صادق آسمان است که مخالفان آن را شوخی می پندارند، در حالی که قطعی و حتمی است و هرچه کافران علیه آن توطئه کنند، به خودشان باز می گردد. در روایات، بر تلاوت این سوره در نمازهای واجب تأکید شده و برای آن فضیلت هایی بیان شده است که از آن میان، هم نشینی با پیامبران بزرگ الهی است.^(۱)

۱. تفسیر نورالثقلین.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

﴿۱﴾ وَالسَّمَاءِ وَالطَّارِقِ ﴿۲﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الطَّارِقُ ﴿۳﴾ النُّجُومُ
التَّاقِبِ ﴿۴﴾ إِنَّ كُلَّ نَفْسٍ لَمَّا عَلَيْهَا حَافِظٌ ﴿۵﴾ فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ
مِمَّ خُلِقَ ﴿۶﴾ خُلِقَ مِنْ مَّاءٍ دَافِقٍ ﴿۷﴾ يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَ
التَّرَائِبِ ﴿۸﴾ إِنَّهُ عَلَى رَجْعِهِ لَقَادِرٌ ﴿۹﴾ يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ
﴿۱۰﴾ فَمَالَهُ مِنْ قُوَّةٍ وَلَا نَاصِرٍ

سوگند به آسمان و ستاره طارق. و تو چه دانی که طارق چیست؟ ستاره‌ای است درخشانده. (به اینها سوگند که) هیچ کس نیست مگر آنکه بر او نگهبانی است. پس انسان بنگرد که از چه آفریده شده است. از آبی جهنده آفریده شده است. که از بین کمر و سینه بیرون می‌آید. همانا او بر باز گرداندنش تواناست. روزی که اسرار آشکار شود. پس برای انسان، هیچ قدرتی (از درون) و یاورى (از بیرون) نیست.

نکته‌ها:

- «طارق» به معنای کسی است که در شب وارد شود و در را بکوبد. «طرق» کوبیدن و «مطرقه» وسیله کوبیدن است و «طریق» به راه گفته می‌شود، زیرا زیر پا کوبیده می‌شود.
- «تاقب» به معنای سوراخ کردن است، گویا این ستاره با نور خود تاریکی شب را سوراخ می‌کند. «صلب» به معنای محکم و مراد از آن، ستون فقرات پشت است و «ترائب» به استخوان‌های سینه گفته می‌شود.
- «تُبلی» از «بلوی» به معنای آزمایش است که عامل آشکار شدن حقیقت‌هاست.

- طبق روایتی از امام صادق علیه السلام مراد از طارق، ستاره زُحَل است که ستاره امیرالمؤمنین و اوصیای اوست.^(۱)
- اشعث بن قیس که از منافقان بود، شبانه حلوایی برای حضرت علی علیه السلام آورد و در خانه را زد تا با هدیه حلوای شب، در روز مرتکب خلافی شود. حضرت، نام او را که شبانه در خانه اش را کوبید، طارق نامید.^(۲)
- مشابه آیه ۴ این سوره را در سوره انفطار می خوانیم: ﴿وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لِحَافِظِينَ كَرَامًا كَاتِبِينَ يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ﴾ بر شما نگهبانانی گماشته شده که بزرگوارانه، بدون کینه و سوء ظن، کارهای شما را می نویسند و آنچه انجام می دهید می دانند.

پیام‌ها:

- ۱- انسان و تمام کارهای او تحت حفاظت فرشتگان الهی است. (هم ثبت اعمال و هم حفظ از حوادث) ﴿إِنَّ كُلَّ نَفْسٍ لَّمَّا عَلَيْهَا حَافِظٌ﴾
- ۲- چگونگی تولد فرزند، از انعقاد نطفه تا خروج از شکم مادر، باید مورد مطالعه و دقت قرار گیرد که هم زمینه خداشناسی است و هم معادشناسی. ﴿فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ...﴾
- ۳- انسان به خاطر دارا بودن عقل و علم و استعداد باید در آفرینش خود دقت کند. ﴿فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانَ﴾
- ۴- توجه به آفرینش انسان، زمینه ایمان به معاد است. ﴿عَلَى رَجْعِهِ لِقَادِرٌ﴾
- ۵- معاد جسمانی است و جسم انسان در قیامت دوباره زنده می شود. ﴿رَجْعِهِ﴾

﴿۱۱﴾ وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الرَّجْعِ ﴿۱۲﴾ وَالْأَرْضِ ذَاتِ الصَّدْعِ

﴿۱۳﴾ إِنَّهُ لَقَوْلُ فَصْلٍ ﴿۱۴﴾ وَمَا هُوَ بِالْهَزْلِ ﴿۱۵﴾ إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ

كَيْدًا ﴿۱۶﴾ وَأَكِيدُ كَيْدًا ﴿۱۷﴾ فَمَهْلِ الْكَافِرِينَ أَمْهَلُهُمْ رُوَيْدًا

۱. تفسیر برهان.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۲۲۴.

سوگند به آسمان باران‌زا. سوگند به زمین که (برای خروج گیاهان) برشکافته است. که همانا این قرآن سخنی است قاطع. و هزل و شوخی نیست. همانا کافران پیوسته نیرنگ می‌کنند. و من نیز تدبیر می‌کنم. پس کافران را مهلت ده و اندک زمانی آنان را به خود واگذار.

نکته‌ها:

- «رجع» به معنای باران است، شاید به خاطر رجوع بخار آب به زمین به صورت باران.
- «صدع» به معنای شکافته شدن زمین برای رویش گیاهان است. «هزل» به معنای سخن بی‌محتوا است. «کید» یعنی طرح و نقشه مخفیانه و غافلگیرانه.
- «مهمل» و «امهل» به یک معنا هستند و برای تأکید در دو قالب آمده‌اند و هر دو به معنای مهلت دادن است. «رویدا» تلاش برای انجام کار با ملایمت است.
- آسمان و زمین برای تولید گیاه، نظیر پدر و مادر برای تولد انسان هستند.
- نزول باران و آمادگی زمین، بستری برای رشد گیاهان است. نزول قرآن و آمادگی انسان نیز زمینه برای رشد انسان‌هاست. نام قرآن در کنار نام باران آمده است.
- برای زدودن شک، هم باید منطقی سخن گفت و هم قاطع. سوگندهای پی در پی خداوند، برای رفع هرگونه شک و تردید از مخالفان و تقویت اعتقاد و باور مؤمنان است.
- «لقول فصل» به جای «لقول فاصل» یعنی قرآن، سراسر فصل است و میان حق و باطل فاصله می‌اندازد. نظیر اینکه می‌گوییم: فلانی شکر است، یعنی یک پارچه شیرینی است.
- پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: به زودی فتنه‌ها در میان شما ظاهر خواهد شد. پرسیدند راه نجات چیست؟ فرمود: «کتاب الله فيه نبأ من قبلكم و خبر ما بعدکم و حکم ما بینکم هو الفصل» قرآن که اخبار پیشینیان و آیندگان و داوری شما در آن است. آن کلامی است که حق را از باطل جدا می‌کند. در ادامه فرمودند: «و من ابتغی الهدی فی غیره اضله الله» هر کس هدایت را در غیر قرآن جستجو کند، خداوند او را گمراه می‌کند.^(۱)

پیام‌ها:

- ۱- قیامت، روز بروز و ظهور افکار و کردار آدمیان است. «یوم تبلی السرائر»
 - ۲- انگیزه‌ها و روحیات انسان، در قیامت او اثر دارند. «یوم تبلی السرائر»
 - ۳- قیامت، روز افشای اسرار و شرمندگی است: «تبلی السرائر» و انسان نیز برای کتمان یا جبران گذشته خود نمی‌تواند کاری بکند. «فأله من قوّة و لا ناصر»
 - ۴- رجعت انسان در قیامت، همچون رجعت آب بخار شده دریا، از آسمان به زمین است. «علی رجعه لقادر - و السماء ذات الرجع»
 - ۵- ارزش هر موجودی وابسته به آثار و برکات آن است. «ذات الرجع - ذات الصدع»
 - ۶- قرآن، فرقان و جداکننده حق از باطل است، نه رمان و غیر واقعی. «انه لقول فصل و ما هو بالهزل»
 - ۷- نیرنگ کفّار، دائمی، سخت و حتمی است، از آن غافل نشوید. «انهم یکیدون کیدا»
 - ۸- برخورد خداوند با انسان، متناسب با عمل اوست. اگر در راه خیر قدم بردارد، خدا هدایتش می‌کند: «جاهدوا فینا لنهیدینهم»^(۱) و اگر به دنبال کید باشد، گرفتار کید الهی می‌شود. «یکیدون کیدا و اکید کیدا»
 - ۹- قرآن، میزان تشخیص حق از باطل است. «انه لقول فصل»
 - ۱۰- کافران با خدا طرفند و تدبیر خداوند سخت است. «یکیدون کیداً و اکید کیداً»
 - ۱۱- آنان مسلمانان را غافلگیر می‌کنند ما نیز آنان را غافلگیر می‌کنیم. «یکیدون... اکید»
 - ۱۲- در برخورد با دشمن، نه خود عجله کنید و نه از خدا عجله بخواهید. «فهّل الکافرین»
 - ۱۳- غفلت از دشمن هرگز، ولی مهلت دادن مانعی ندارد. «امهلهم»
 - ۱۴- سعه صدر، شرط لازم برای رهبری است. «امهلهم»
 - ۱۵- مقدار مهلت به دشمن، به قدری نباشد که فرصت را از شما بگیرد. «رویدا»
- «والحمد لله رب العالمین»

۱. عنکبوت، ۶۹.